

گفت‌وگو

زهرا چیدری

گفت‌وگوی «جوان» با کارشناس مطالعات زنان درباره تبیین نگاه اسلام و غرب به مسئله عدالت و برابری جنسیتی

انگاره تشابه جنسیتی زن و مرد موجب ظلم بیشتر به زنان می‌شود



عدالت و برابری جنسیتی دو مفهومی است که در حوزه زن و خانواده نقطه تقابل نگاه اسلام و غرب است. دیدگاه اسلام در مسئله زن و مرد نگاه عدالت‌محور و بر مبنای خلقت، وظایف و مسئولیت‌های تکوینی و تشریحی است. بر این اساس هر چند در نگاه اسلامی زن و مرد از منظر دست‌یابی به در جات معنوی و مقامات انسانی با یکدیگر برابرند و تنها معیار برتری هر یک از آنها به دیگری تقواست اما در حقوق و مسئولیت‌ها با یکدیگر برابر نیستند بلکه این حقوق و مسئولیت‌ها بر مبنای خلقت متفاوت آنها طراحی شده و تناسب را رعایت کرده و عدالت‌محور است. در مقابل، نگاه غربی زن و مرد را از هر نظر دارای تساوی و برابری می‌داند، بگذریم از اینکه این تساوی در عمل هیچ‌گاه اجرایی نشده است و هنوز و در قرن ۲۱ حتی در مسئله‌های همچون دریافت دستمزد برابر به ازای شغل یکسان، با هم زنان در قلب دنیای غرب دستمزدی بسیار کمتر از همکاران مردشان در شغل‌های مشابه دارند. در واقع شعار برابری جنسیتی در دنیای غرب ابزاری برای بیرون کشیدن زن از خانه و تأمین نیروی کار از زنان است که به زیر پرچم فمینیسم و تحت عنوان دفاع از حقوق زنان شکل گرفت و با کمک ابزار رسانه‌ای به گفتمان مسلط تبدیل شد. برای واکاوی جهان‌بینی اسلامی و غربی در مسئله عدالت و برابری جنسیتی با زهره سادات میرجعفری، دکترای مطالعات زنان، مبلغ بین‌المللی، مدرس حوزه دانشگاه به گفت‌وگو نشستیم.

خانم دکتر میرجعفری، ما بحث عدالت جنسیتی را قبول داریم نگاه اسلام هم نگاه عدالت جنسیتی است اما غرب مسئله برابری جنسیتی را مطرح می‌کند. با توجه به خلقت متفاوت زن و مرد و مباحثی که در این حوزه وجود دارد و اهدافی که غرب از طرح برابری جنسیتی برای خارج کردن زن از خانه و تأمین نیروی کار از زنان قیمت و مسائلی از این قبیل دارد، چگونه می‌شود تفاوت‌های جهان‌بینی اسلامی و غربی را در موضوع برابری و عدالت جنسیتی تبیین کرد؟

برابری جنسیتی و عدالت جنسیتی واژه‌هایی هستند که می‌توانیم بگوییم بعد از تحولات و جنبشی که فمینیسم در غرب به راه انداخت، بیشتر مطرح شد، حتی در داخل کشور هم بحث عدالت جنسیتی، مقداری با آنچه مدنظر اسلام است، خلط می‌شود. بر اساس برابری جنسیتی، زن و مرد حقوق و وظایف یکسان دارند و از فرصت‌های برابر در جامعه برخوردارند. جنبش‌های زنانه به خصوص فمینیسم در ظاهر به سمت دفاع از حقوق زن گام برداشتند و یکی از کارهایی که انجام دادند، این بود که قوانین بین‌المللی را در راستای برابری جنسیتی تصویب کردند. بسیاری از کشورها این قوانین را نداشتند یا قبول نداشتند، بنابراین قوانین مختلف و کنوانسیون‌های مختلف در سال‌های مختلف تصویب شد. اینکه می‌گوییم ظنر اسلام عدالت جنسیتی است به این معناست که هر صاحب حقی به حق خودش و به اندازه وسع خودش و با توجه به ظرفیت‌هایی که خداوند به صورت تکوینی و تشریحی در او به ودیعه گذاشته است، باید پیشرفت کند و به حق خودش برسد. بر اساس این خلیلی وقت‌ها هنگامی که واژه عدالت جنسیتی مطرح می‌شود، برخی افراد را به اشتباه می‌اندازد که ما وقتی می‌گوییم عدالت جنسیتی، تعریفی مشابه تعریف فمینیست‌های اسلامی مدنظرمان است. در صورتی که اسلام تناسب جنسیتی را قبول دارد و تشابه و مانند همدیگر بودن را قبول ندارد و واژه اصلی که ما باید به کار ببریم، تناسب جنسیتی است، در حالی که حالا بحث عدالت جنسیتی رایج شده است.

جانب بحث عدالت جنسیتی یا به تعبیر شما تناسب جنسیتی در اسلام چیست؟

از همه اینها مهم‌تر اینکه ما باید بدانیم اسلام دینی کامل و جامع است و همه ابعاد وجودی انسان را مدنظر قرار داده است. یکی از این ابعاد تناسب ساختار زن و مرد متناسب با تکالیف حقوقی و تشریحی است که بر دوش آنها قرار داده شده است. در این زمینه هم هیچ برتری از بین زن و مرد وجود ندارد و کسی نزد خدا برتر است که

در اسلام جنسیت عامل برتری نیست بلکه شرط برتری تقوا و عمل صالح است. وقتی در کنوانسیون‌های بین‌المللی بر برابری جنسیتی تأکید می‌کنیم، می‌بینیم آنچه مدنظر غربی‌هاست، تشابه جنسیتی است تا برابری جنسیتی و این تشابه به یکناختی و ظلم بیشتر به جنس ضعیف‌تر منجر می‌شود

باتفاوت باشد. در اسلام جنسیت عامل برتری نیست بلکه شرط برتری تقوا و عمل صالح است. وقتی در کنوانسیون‌های بین‌المللی بر برابری جنسیتی تأکید می‌کنیم، می‌بینیم آنچه مدنظر غربی‌هاست، تشابه جنسیتی است تا برابری جنسیتی و این تشابه به یکناختی و ظلم بیشتر به جنس ضعیف‌تر منجر می‌شود. ما وقتی اصطلاح برابری جنسیتی را به کار می‌بریم، وقتی به ظرفیت‌ها و تفاوت‌های تکوینی توجه نداشتیم، در واقع داریم یک چیزی را خارج از ظرفیت زن به او تحمیل می‌کنیم. به طور نمونه در یکی از کشورهای غربی که رفته بودیم، خانمی حضور داشت که روزانه باید ۱۴ ساعت کار می‌کرد و جالب این بود که این خانم باردار هم بودا وقتی از او پرسیدم چرا؟ می‌گفت اینجا همه چیز تساوی است و من باید نیمی از مخارج خانواده را دربرآورم. وقتی برای او توضیح می‌دادیم که در اسلام این وظیفه نیست و لطف زن است اگر کار کند و بار بکند و مرد وظیفه دارد هزینه‌های زن را به خصوص در ایام

بارداری و شیردهی تأمین کند و حتی زن می‌تواند حق الزحمه‌ای را در این ایام دریافت کند، برای‌شان خیلی جذاب و جدید بود، البته در کشور ما هم این مباحث خیلی شکل گرفته و خانم‌های زیادی هستند که شاغل هستند و متناسب با زحمتی که می‌کشند، انتظاراتی که از آنها وجود دارد، انتظارات غربی است. اینجا هم بحث تشابه و برابری زیاد مطرح می‌شود. وقتی ما متناسب با نیازهای زنان و اقتضات زنانه، فضا را نچینیم و این فضا متناسب با فضای مدرن باشد، در نتیجه می‌بینیم بسیاری از زنان از وضعیت اشتغال خود راضی نیستند، در حالی که پایه‌های مردان تلاش می‌کنند اما ممکن است حق و حقوقی که به مردان داده می‌شود، برای آنها نباشد و احساس رضایت در اشتغال زنان در جامعه ما هم کم باشد. اگر ما اشتغال زنانه را تعریف کنیم و متناسب با نیازهای زنانه ساعت‌های اشتغال زنان، دور کاری یا ساعت‌های چرخشی یا در نظر گرفتن مهد کودک در کنار مکان کار و به طور کلی خصوصیات و اقتضات زنانه را در محیط‌های کاری مدنظر قرار دهیم، این توقع و انتظار درباره برابری جنسیتی کمتر می‌شود و ما می‌توانیم بگوییم تناسب جنسیتی را که در اسلام مدنظر است، نتوانستیم به دست بیاوریم.

یعنی از نگاه شما در جامعه ما هم با وجود اینکه جامعه مسلمان هستیم و روی این موضوعات تأکید داریم، به نوعی در حال پیاده‌سازی برابری جنسیتی غربی هستیم؟

نه که بخواهم بگویم کاملاً آن را پیاده می‌کنیم، هنوز با آن معیارها فاصله داریم، اما در جامعه ما هم انتظارات عملی و روایت نکرده‌ایم. در روایتگری بحث رسانه خیلی مهم است، بحث تبیین و جهاد تبیین که مقام معظم رهبری فرمودند، خیلی مهم است. لازم است ما اینها را تعریف کنیم و انتقال و در رسانه

انتشار دهیم.

ارمغان برابری جنسیتی چه بود؟

غرب به نام برابری آرامش را از زنان گرفته است

اگر ما اشتغال زنانه را تعریف کنیم و متناسب با نیازهای زنانه ساعت‌های اشتغال زنان، دور کاری یا ساعت‌های چرخشی یا در نظر گرفتن مهد کودک در کنار مکان کار و به طور کلی خصوصیات و اقتضات زنانه را در محیط‌های کاری مدنظر قرار دهیم، این توقع و انتظار درباره برابری جنسیتی کمتر می‌شود و ما می‌توانیم بگوییم تناسب جنسیتی را که در اسلام مدنظر است، نتوانستیم به دست بیاوریم

خود را فراموش و سعی کرده‌اند در این جامعه با اقتضات مدرنیته موفق باشند و به سمت مردانگی و برجسته کردن صفات مردانه بروند. همچنان که حضرت اقام خیلی قشنگ اشاره کردند که از مردواره شدن زن بیزیریدی. یکی از مصادیق مردواره شدن زنان این است که اگر ما اشتغالی را برای زنان تعریف می‌کنیم، باید احساس راحتی و احساس رضایت از شیوه‌های اداره محیط اداری در نظر گرفته شود تا آنها احساس رضایت داشته باشند و بتوانند بهره‌وری کاری‌شان را افزایش دهند، اما وقتی ما بگوییم اسلام نظرش این است اما در جامعه این نظر اجرایی نشود، در واقع ما داریم دوگانگی نظری و عملی را در جامعه پیاده می‌کنیم.

داشتن من از صحبت‌های شما این است که اقتضات مدرنیته باعث شده است زنان ما از محیط خانه بیرون کشیده شوند و شرایط کاری با نقش‌های زنانه متناسب نباشد. خانم‌های ما هم همان تعداد ساعات را سر کار هستند و انتظاراتی متناسب با مردان از آنها وجود دارد. در حالی که در دنیای غرب هم به این موضوع پی بردند که اشتباه کرده‌اند و جنبش‌های طرفدار خانواده تشکیل شده و تلاش می‌شود خانم‌ها به خانه بازگردند و مادران تمام‌وقت باشند، اما ما با وجود آنکه می‌دانیم و این هشدارها هم وجود دارد، مقداری بد عمل کرده‌ایم. درست است؟

بله، یک بخشی از مسئله هم به این تأکید حضرت آقا بامی‌گردد که جلوی ظلم به زن در درون خانواده باید گرفته شود. در واقع یک بخشی از ماجرا به عملکردها بازمی‌گردد؛ هم عملکرد مسئولان در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و هم عملکرد مسلمانان ما یعنی ما خیلی وقت‌ها بحث مدیریت شایسته مرد را در خانه مطرح می‌کنیم اما اینکه چگونه مردان ما به این مدیریت شایسته دست پیدا کنند و اینکه آیا آموزش لازم برای رسیدن به مدیریت شایسته به مردان خودمان به عنوان سرپرستان خانوار داده می‌شود یا نه، این هم حائز اهمیت است. اگر زنان ما در درون خانه احساس کرامت و عزت‌نفس داشته باشند، کمتر خودشان را درگیر فضای اشتغال مردسالاران می‌کنند و این هم نکته‌ای است که می‌تواند موجب شود ما به مشکل برخوریم.

اسلام حمایت ویژه‌ای از زنان دارد، اما ما مسلمانان نتوانستیم این را برای سایر ادیان و اقوام بیان کنیم و شاهد این هستیم در مواردی که قوانین مقررات اسلامی در حوزه خانواده برای سایر ادیان بیان می‌شود، نگاه اسلام برای آنها خیلی جالب است. ما چگونه می‌توانیم این الگورا برای مخاطبان اصلی خودمان یعنی سایر افراد دنیا ارائه دهیم؟

ما دو مشکل داریم؛ یکی بحث عمل است و یکی بحث انتقال مفاهیم. امام رضاع) می‌فرمایند: «اگر مرد زیبایی‌های کلام ما را می‌دانستند، حتماً از ما تبعیت می‌کردند.» ما زیبایی‌های حقوق زن و احساس آرامش زنانه را در جامعه خودمان به طور کامل و جامع عملی و روایت نکرده‌ایم. در روایتگری بحث رسانه خیلی مهم است، بحث تبیین و جهاد تبیین که مقام معظم رهبری فرمودند، خیلی مهم است. لازم است ما اینها را تعریف کنیم و انتقال و در رسانه

انتشار دهیم.

ارمغان برابری جنسیتی چه بود؟

غرب به نام برابری آرامش را از زنان گرفته است

وینترین



روانشناسی زن و خانواده

کتاب روان‌شناسی زن و خانواده نوشته مهر انگیز شعاع کاظمی، معصومه فتحعلی‌زاده و زهرا شهبایی‌نژاد، ابعاد زندگی زنان را از جنبه‌های جسمی، روانی و اجتماعی بررسی و با نگاهی دقیق و علمی آنها را واکاوی می‌کند.

درباره کتاب روان‌شناسی زن و خانواده

از زمانی که علم روان‌شناسی پدیدار شد، یکی از مباحثی که همیشه پیرامون آن بحث و چالش وجود دارد، مطالعات جنسیتی است که نقاط مبهم آن همچنان نیز باقی مانده است. پیشرفت‌های علم در دهه اخیر، روان‌شناسی و شاخه‌های مربوط به آن را نیز متحول کرده است. روان‌شناسی زنان نیز یکی از همین حوزه‌هاست که سابقه چندان طولانی ندارد و به سبب ضرورت اجتماعی و فردی از روان‌شناسی شاخه گرفته است.

در پیدایش این جنبه از روان‌شناسی، «مردگرایی» از عواملی به شمار می‌آید که بیش از هر چیز دیگری تأثیر گذار بوده است.

جنبش آزادی‌خواهی زنان در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و روان‌شناسان و آزادی‌خواهان فمینیست نیز از جمله عوامل مؤثر در پیدایش این علم بوده‌اند.

روان‌شناسی زن قدمت چندانی ندارد و به نظر می‌آید همچنان به تحقیقات طولانی و گسترده نیاز دارد. این شاخه از روان‌شناسی مطالب و موضوعات متنوعی را در برمی‌گیرد و می‌تواند به عنوان موضوعی منحصر به فرد بحث قرار گیرد.

موضوع سلامت روان و شیوه‌های حفظ و مراقبت از آن، از دغدغه‌های اصلی انسان و مورد توجه پژوهشگران در حوزه‌های مختلف علوم به خصوص روان‌شناسی بوده است.

در این کتاب در گام نخست به بررسی مسئله سلامت پرداخته می‌شود. با توجه به نقش پررنگ زنان در جامعه، برخورداری از رفاه کامل جسمی و جنسی محبت بعدی کتاب روان‌شناسی زن و خانواده است. خانواده و اسپسین موضوع این کتاب است که به شکلی دقیق و کامل نقش زنان را به عنوان محور خانواده بررسی می‌کند. سلامت جامعه سالم وابسته به خانواده سالم است و خانواده سالم وابسته به زنانی است که در مسیر صحیح اخلاقی و سعادت جامعه گام بردارند.

کتاب روان‌شناسی زن و خانواده مناسب چه کسانی است؟

علاقه‌مندان به مباحث روان‌شناسی زنان از خواندن این اثر لذت خواهند برد. همچنین این کتاب در زمینه‌های مشاوره خانواده، تعلیم و تربیت و همینطور رشته مطالعات زنان در همه مقاطع آکادمیک کاربرد دارد.

در بخشی از کتاب روان‌شناسی زن و خانواده می‌خوانیم:

زنان وقتی احساس امنیت نکنند، تلاش می‌کنند به نوعی خود را به همسرشان نزدیک و با آنان ارتباط برقرار کنند. احساس عدم‌اتصال در رابطه متقابل بریدن از مردی است که دوستش داریم، یعنی شکستن بل ارتباطی بین زن و مرد. باید به یاد داشته باشیم به دلیل اینکه مهر و محبت از طرف زنان در مرحله اول قرار دارد، به عبارتی زنان خود را حافظ ارتباط‌شان می‌دانند و برای ارتباط معنوی و روحی احساس مسئولیت می‌کنند، پس اتصال زنان با مردان (جنس مخالف) نمایانگر تعهد و زنده نگه داشتن عشق است.

از تباطو واقعی تنها به معنای باهم بودن یا دوست‌بودن نیست، بلکه چیزی بیش از آن است که مستلزم داشتن صمیمیت و محبت است. صمیمیت یعنی اجازه ورود به دنیای احساسی همسر تا داشته باشید، به همین خاطر فقط باهم بودن مطرح نیست، بلکه در میان گذاشتن افکار و احساس‌های درونی افراد با یکدیگر است که اهمیت داد. صمیمیت یکی از مهم‌ترین اجزای ارتباط موفقیت‌آمیز است. در کل وقتی زنی به دنیای درونی مردی راه پیدا می‌کند و اطمینان قلبی او درباره رابطه‌اش افزایش می‌یابد، زن به تنها احساس امنیت می‌کند، بلکه از نظر روحی نیز احساس ارتباط نزدیکی می‌کند. در حقیقت می‌فهمد که برای او ارزش گذاشته شده، یعنی سومین نیاز اساسی یک زن تأمین شده است. وقتی مردی سعی در برآوردن یکی از نیازهای زنان می‌کند، سه نتیجه را همزمان می‌گیرد: «ارزش و احترام، محبت و صمیمیت و امنیت».

پرسش ویژه

ما شاهد حجم بالای خشونت علیه زنان، رهاشدن خانم‌ها، فرزندان خارج از ازدواج و مسائل اینچنینی هستیم که تبعات آن بیشتر برای خانم‌هاست تا آقایان. نگاه برابری جنسیتی در دنیای غرب چه تبعاتی برای خانم‌ها داشته است؟

گمشده بشر امروز یا مدرنیته، آرامش است. آرامش در زندگی بسیار مهم است. وقتی ما متناسب با ساختار بدنی، روحی و روانی زن از او انتظار داشته باشیم، احساس آرامش می‌کند، وقتی که نیازهای طبیعی زن یعنی نیاز به مادری و نیاز به همسری تأمین شود، احساس آرامش می‌کند، اما دنیای غرب اینها را از زن دور کرده است. غرب شاید خیلی چیزها را در زمینه موفقیت‌های مادی، اسم و رسم و شهرت داد و مقام و جاه و مسائل اینچنینی به زن داده باشد، اما آرامش را از زن گرفته است. اینکه زن احساس می‌کند، خودش نیست و نقشی غیر از نقش فطری

خود را بازی می‌کند، در یک زمان محدود و موقت موفق است اما بعد از مدتی روح و روانش افسرده می‌شود. اکثر فمینیست‌هایی که معتقد بودند زن باید به نیازهای بیولوژیک خودش توجه نکند تا بتواند موفق باشد و اینها همه بر ساخت جامعه است. بعد از مدتی که خودشان پا به سن گذاشته‌اند، دیده‌اند که خودشان نتوانسته‌اند به آنچه دل‌شان می‌خواهد یا احساس رضایت قلبی‌شان را تأمین می‌کنند، دست پیدا کنند. از نسوی دیگر چون زن نمی‌تواند از جلوه‌گری‌ها جاذبه‌های جنسی و بدنی خودش دور باشد و هر چقدر هم بخواهد دور باشد، دنیای مدرنیته او را برای موفقیت در صحنه اجتماع یا حتی سیاست به استفاده از ابزارهای جنسی و بدنی تشویق می‌کند. بعد از مدتی تبدیل به کالا می‌شود، این مسئله زن را خالی از معنویت و احساس درونی قلبی می‌کند.

خود را بازی می‌کند، در یک زمان محدود و موقت موفق است اما بعد از مدتی روح و روانش افسرده می‌شود. اکثر فمینیست‌هایی که معتقد بودند زن باید به نیازهای بیولوژیک خودش توجه نکند تا بتواند موفق باشد و اینها همه بر ساخت جامعه است. بعد از مدتی که خودشان پا به سن گذاشته‌اند، دیده‌اند که خودشان نتوانسته‌اند به آنچه دل‌شان می‌خواهد یا احساس رضایت قلبی‌شان را تأمین می‌کنند، دست پیدا کنند. از نسوی دیگر چون زن نمی‌تواند از جلوه‌گری‌ها جاذبه‌های جنسی و بدنی خودش دور باشد و هر چقدر هم بخواهد دور باشد، دنیای مدرنیته او را برای موفقیت در صحنه اجتماع یا حتی سیاست به استفاده از ابزارهای جنسی و بدنی تشویق می‌کند. بعد از مدتی تبدیل به کالا می‌شود، این مسئله زن را خالی از معنویت و احساس درونی قلبی می‌کند.



که زن خیلی از چیزها رافدا کرده است تا به توسعه‌ای که دنیای مدرنیته می‌خواهد دست یابد و خودش خالی از احساسات شده است. غیر از این در بحث خانواده و تحولات خانواده شاهد این هستیم که خیلی از زن‌ها به مردواره تبدیل شده‌اند و از خودشان انتظارات بالایی داشتند. خودشان ملاک‌هایی را برای خودشان قرار داده‌اند که تا حدی پیش رفته است که مردان جامعه غربی از بسیاری از مسئولیت‌ها استنکاف می‌کنند. زنی که بخواهد همه کارها را دست بگیرد و همه چیز دستش باشد، موجب می‌شود به قول دکتر علیخواه پدیده زنان فریخته و مردان آویخته را شاهد باشیم. وقتی زنی بیش از حد روی توانمندی‌های اجتماعی خودش تمرکز می‌کند، این مسئله مسئولیت‌پذیری را در مردان کم می‌کند. الان شاهد آن هستیم که بسیاری از خانواده‌های غرب خانواده را از دست داد و بنیان خانواده متلاشی شد و بعد اعتقادات و افکاری که تمایل به معنویت